



# گزارش جلسه رونمایی کتاب «روند جنگ ایران و عراق»

مریم اسدی جعفری

علی شمخانی» رئیس مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، «دکتر حسین اردستانی» مدیر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، «دکتر حسین علایی» نویسنده کتاب «روند جنگ ایران و عراق»، «سردار محمد درودیان» ناظر اثر و «احمد نصرتی» همکار نویسنده کتاب آغاز شد.

کتاب «روند جنگ ایران و عراق» در ده فصل تنظیم شده و تمام حوادث و وقایع جنگ را به صورت توصیفی در برخی موارد تحلیلی، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا نامه‌نگاری صدام حسین با آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران برای پذیرش معاهده ۱۹۷۵، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

تشریح چگونگی انتشار کتاب «روند جنگ

برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در بهار هر سال، بهترین فرصت و بستر مناسبی برای معرفی و ترویج تازه‌های نشر حوزه دفاع مقدس در بین مخاطبان عام و محققان و کتابخوانان حرفه‌ای محسوب می‌شود. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نیز هر سال با حضور در شبستان مصلاي بزرگ امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ثمره پژوهش و نشر خود را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و با استفاده از ظرفیت‌های حاشیه‌ای نمایشگاه کتاب، به تبیین هرچه بهتر فعالیت‌های خود می‌پردازد. یکی از این ظرفیت‌ها، برگزاری آیین رونمایی از مجموعه دو جلدی «روند جنگ ایران و عراق» در بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در تاریخ هفدهم اردیبهشت سال جاری بود. این مراسم با حضور و سخنرانی «دریابان

## ایران و عراق

این می‌دهد که این منابع، مشاهدات و اگر بخشی هم شنیده‌هاست، واقعیت‌هایی است که در صحنه نبرد در میان فرماندهان گزارش جلسات آنها رد و بدل شده است. آنچه خود من در صحنه ۸ سال جنگ شاهد بودم، آقای علایی از فرماندهانی است که در صحنه‌های اصلی تصمیم‌گیری حضور داشت و در اجرای آن تصمیمات در صحنه نبرد، جزو فرماندهان بودند.

من به نوبه خودم در مقام مسئول مرکز، از ایشان تشکر می‌کنم و عرض می‌کنم، این کتاب قرار بود با ۶۰۰-۷۰۰ صفحه منتشر شود. هر بار عودت دادیم ایشان تجدید نظری داشته باشند، ۲۰۰ صفحه اضافه شد، ۱۰۰ صفحه اضافه شد تا اینکه در ۱۲۰۰ صفحه هم که ما متوقف شدیم، با اصرار و فشار ایشان که دوباره [کتاب را] ببینم، با عرض معذرت از ایشان، من اجازه ندادم کتاب دوباره به سردار عودت شود و تأکید کردم که ان شاء الله در چاپ‌های بعدی، می‌توان با تجدیدنظر و اضافات، کتاب را دوباره چاپ کرد. از فرمانده عزیز جبهه‌های جنگ، سردار شمخانی تشکر می‌کنم که قبول زحمت فرمودند و در خصوص این کتاب، براساس مشاهداتشان و فرماندهی‌شان در دفاع مقدس برای جمع سخنانی ایراد بفرمایند. از جناب آقای علایی خواهش می‌کنم راجع به کتابشان بفرمایند.

### تکمیل «روند جنگ ایران و عراق» در چاپ دوم

سردار حسین علایی: یکی از برکات روی کار آمدن دولت جدید در سال ۸۴، این بود که خیلی‌ها از دور مدیریت خارج شدند و وقت پیدا کردند که بنویسند و یا تدریس کنند. شاید بشود گفت، این یکی از خوبی‌های دولت

دکتر حسین اردستانی: در پژوهش‌های تاریخی، سند، راوی و شاهدان می‌توان منابع اصلی باشند و منتج به پژوهش و چاپ آثار، به مثابه منابع دسته اول بشوند. امروز و به خصوص دهه‌ها و سده‌های آینده، تاریخ ایران برای اطلاع از بزرگترین اتفاق تاریخی ایران، نیاز به منابع دسته اول دارد. در صورتی که منابع دسته اول به میزان بیشتری وجود داشته باشد، امکان تحریف آن رویداد بزرگ، کمتر می‌شود و دستیابی و دسترسی محققان، استادان و آحاد جامعه کشور، به واقعیت و آنچه در صحنه‌های نبرد گذشته، بیشتر فراهم می‌شود.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در مقام مرکز اصلی منابع در کشور، با اتکاء به جمع‌آوری میدانی منابع در ۸ سال دفاع مقدس، تقریباً آنچه منتشر می‌کند، جزو منابع دسته اول به حساب می‌آید؛ یا منابع و راویان.

راویان، حاضرین و شاهدان صحنه‌های نبرد بودند و منابع آن‌ها از قبیل نوارها، دفاتر و ... از منابع دسته اول است.

چندی است که در کنار راویان، فرماندهان هم درباره دفاع مقدس و تاریخ شفاهی و آثار مکتوب آن‌ها، کمک بزرگی به منابع دست اول کرده و واقعیت‌های جنگ، به علاوه عمق و دامنه آن، را پوشش داده‌اند. مهم‌ترین ویژگی کتاب سردار علایی، مشاهدات و حضور قابل ملاحظه ایشان است. یا به عنوان رئیس ستاد یا به عنوان فرمانده قرارگاه در طول جنگ در صحنه‌های تصمیم‌گیری در سطح کلان و اجرای آن در سطح میانی و خرد. البته در سطح خرد کمتر، [حضور داشته‌اند]. آنچه در این کتاب آمده، به میزان بالایی اطمینان از



از راست: سردار درودیان، دکتر اردستانی، دکتر علایی؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

در یک کتاب نمی‌تواند همه را پیدا بکند. البته برادر عزیزمان آقای درودیان و سایر راویان مثل آقای نداف، خود آقای اردستانی و دیگران، کتاب‌های زیادی راجع به جنگ نوشتند و زحمات زیادی کشیده‌اند. من دیدم که می‌شود، کتابی را که از ابتدا چرا اصلاً عراق تصمیم گرفت با ایران بجنگد، تا زمانی که خود صدام حسین معاهده ۱۹۷۵ را پس از جنگ پذیرفت، در این چهارچوب تدوین کرد و مسائل جنگ را به صورت علمی و بی طرفانه مطرح کرد. با این دیدگاه، شروع کردم. همینطور که درس می‌دادم و مقالات می‌نوشتم سعی کردم یافته‌هایم را در قالب کتابی تدوین کنم.

بعد جناب آقای اردستانی و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فرمودند که این کتاب را ما آمادگی داریم که چاپ کنیم و بنا شد کتاب، چاپ بشود. ۳ سال طول کشید که کتاب را از ابتدا تا انتها تکمیل کردم. ولی هر بار که نگاه می‌کردم، می‌دیدم هنوز جای کار زیادی دارد. البته

نهم بوده است. از جمله کسانی مثل اینجانب که مجبور شدیم، برای خودمان فکری کنیم. لذا به تدریس و مطالعه پرداختیم.

یکی از کارهای خوبی که پژوهشگاه علوم دفاع مقدس، خدا رحمت کند سردار سوداگر انجام داد این بود که توافقی کردند و درسی به نام دفاع مقدس در دانشگاه‌ها راه اندازی شد و با کمک فرماندهان قرارگاه‌های دوره جنگ و کسانی که در آن زمان، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشتند و یا در قرارگاه‌ها بودند، کلاس‌هایی برای استادانی که قرار بود این درس را در دانشگاه‌ها تدریس بکنند، تدارک دیده شد. من هم جزو یکی از این‌ها بودم. در کنار امیران بزرگوار ارتش که در اینجا خدمتشان هستیم. امیر شمخانی که زحمت کشیدند، تشریف آوردند و بسیاری از استادانی که در این جلسه هستند. من هم بعضی از درس‌ها را در آنجا ارائه می‌کردم. در آنجا متوجه شدم که اگر کسی بخواهد از ابتدا تا انتهای جنگ را ببیند [که] چه گذشت و بخواهد تحلیل بکند،

در این کتاب، مطالبی را که می‌نویسم، با صحت و دقت باشد. سردار رشید هم بعضی وقت‌ها برای تاریخ شفاهی‌اش، ما را دعوت می‌کردند و گوش می‌کردم. بنابراین سعی کرده‌ام که تا جایی که می‌شود، مطالب جامع باشد، مانع باشد، موجز باشد و بینظر از نظر علمی. ما مدافع همه چیز دفاع مقدس هستیم، ولی با همه مسائل، سعی کردم تحلیلی و علمی برخورد کنم. به همین خاطر ما هر کجا در عملیات‌ها شکست خوردیم، دلایلش را هم نوشته‌ام. هر کجا پیروز شدیم، موفق شدیم، نوشته‌ام. عملکرد وزارت خارجه را به صورت مقطعی تحلیل کردم. مثلاً گفته‌ام اگر وزارت خارجه در این مقطع، همچین کارهایی را می‌کرد، از نظر ما بهتر جواب می‌گرفت. ضعف‌هایی که از سیاست خارجی ایران در دوران جنگ به نظر رسیده را نوشتیم. به همین خاطر، اسم کتاب را «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» گذاشتم.

متأسفانه در سپاه کتاب‌ها را می‌فرستند عقیدتی و حفاظت. آنها باید کتاب‌ها را ببینند و گاهی کتابها برای بازبینی، دست کسانی می‌افتد که احتمالاً حالا نمی‌گویم در جنگ نبودند، ولی درکی ندارند و این‌ها با دیدگاه‌های خودشان به مسائل نگاه می‌کنند. مثلاً یکی از دوستانی که من متأسفانه او را ندیدم، روی این کتاب نظر داده و حرف‌هایی زده که برای من بعضی‌هایش خنده‌آور بود. لیکن مرکز اسناد، مجبور شد که رعایت بکند. از جمله، اسم این کتاب تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق است، او برداشته، نوشته «روند جنگ ایران و عراق»! اصلاً خودم نمی‌فهمم

این کتاب در شهریور سال ۱۳۸۹ برای چاپ آماده و تقدیم شد. ولی با مسائلی برخورد کردیم که آن مسائل، باعث تأخیر شد و چون در چاپ تأخیر می‌شد، هر دفعه می‌گفتم حالا که چاپ نشده، پس تکمیل‌تر بکنیم و بعضی از مسائل را اضافه می‌کردم. البته این مجموعه‌ای که الان چاپ شده، با آن که من در اختیار دارم، هنوز ۱۰۰ صفحه اختلاف دارد. یعنی اگر چاپ دومی در کار باشد، ۱۰۰ صفحه مطالب تکمیلی‌تر به این دو جلد باز اضافه خواهد شد. علت این بود که من ظرف ۸ سال گذشته، در تمام جلسات مربوط به جنگ شرکت

می‌کردم؛ چه جلسات خاطرات، چه جلسات تحلیل، چه جلسات بازخوانی مفهومی جنگ، چه جلساتی که استادان دیگری این موضوع را تدریس می‌کردند. مثلاً هرچه آقای شمخانی تدریس کرده بودند، اگر در کلاس نبودم، گرفتم گوش کردم. هر چه امیر موسوی قویدل، امیر مفید، امیر معین‌وزیری، امیر بختیاری و دیگران تدریس کردند، من یا در کلاس‌ها رفتم نشستم، ببینم چه می‌گویند و یا این‌که همه را گرفتم و گوش کردم. هر چه سردار صفوی، سردار محسن رضایی، مطلب از این‌ها منتشر شده یا گفته‌اند، یا خوانده‌ام و یا گوش کرده‌ام. در تمام جلسات تاریخ‌شفاهی سردار محسن رضایی، شرکت و هر چه آن‌جا مطرح شد، با دقت نگاه کردم و سعی کردم

امیر دریابان علی شمخانی: کاری  
نکنیم، مجبور به نوشتن کتاب  
"تحریفات دفاع مقدس" شویم

نصرتی، آقای انصاری و از همه تشکر می‌کنم. اگر اسمی یادم رفت ببخشید. دیگر اینکه این کتاب را در اختیار تقریباً همه امرای ارتش و فرماندهان سپاه قرار دادم. بعضی‌ها به من نظرات خیلی خوبی دادند. از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. بعضی‌ها هم فقط نگاه کردند و به من نظری ندادند. امیر شمخانی به من نظر دادند و استفاده کردم. سردار رضایی به من نظر دادند. سردار صفوی با من صحبت کردند. امیران ارتش، اکثراً به من نظر دادند. امیران که تشریف دارند، امیر بختیاری برای من مطالبی را نوشتند، من استفاده کردم. سردار رشید وقت زیادی گذاشتند. خیلی چیزها را مکتوب برای من نوشتند و دادند. من خیلی استفاده کردم. خیلی از کسانی که کتاب را در اختیارشان قرار دادم، نظر دادند و من تقریباً به همه فرماندهان دوران جنگ؛ چه سپاه و چه ارتش و هر کسی در جنگ نقشی داشته، در اختیارشان گذاشتم. مثلاً حتی آقای [محمد] فروزنده، آقای رفیق‌دوست و دیگران، به هر نوعی در جنگ بودند، اگر مسائلی دارند مطرح کنند. برای خیلی از مسائل جنگ، وقتی به موضوعی برخورد می‌کردم با تک تک آن‌ها صحبت می‌کردم. بنابراین بعضی از این اطلاعات در این کتاب هست که شما احتمالاً در کتاب‌های دیگر پیدا نخواهید کرد. چرا؟ چون بسیار جزئی و ریز برای این که به یقین برسیم، روی مسائل این کتاب صحبت کردم. مثالی می‌آورم برای این که بفهمم بعد از فتح خرمشهر چه اتفاقی در تصمیم‌گیری افتاد، به بیت امام<sup>(ع)</sup> مراجعه کردم. چندین جلسه با حاج حسن آقای خمینی<sup>(ع)</sup> نشستم، صحبت کردم تا ایشان بالاخره روزی نامه‌ای را از حاج احمد آقای خمینی آورد و به من داد.

یعنی چه؟ تاریخ تحلیلی یعنی ما مجموعه تاریخی نوشتیم و تحلیل کردیم. البته ایشان را تأیید می‌کنم. قبول دارم، مجبور بودند این را چاپ کنند. حالا عیبی ندارد، چاپ کردند. این هم از اشکالاتی است که در نشر کتاب، در کشور ما هست. نویسنده مسئول همه چیز هست.

نکته بعدی این که بعضی از جاها را حذف کردند. مثلاً موردی را مثال می‌زنم که خیلی خنده‌دار است. من یک‌جا نوشتم حمله کمونیست‌ها به آمل. ایشان نوشته که این چه ربطی به جنگ دارد؟ این را از این زاویه نوشتم و تحلیل کردم که وقتی کمونیست‌ها هنگام جنگ به آمل حمله کردند، بخشی از توان سپاه که باید در جنگ درگیر جنگ می‌شد، از نظر اطلاعاتی، عملیاتی و ساختاری، درگیر این نوع مسائل شد. یعنی مسائل داخلی ما، حملات منافقین، کمونیست‌ها، فرقه‌گراها و دیگران روی مسائل جنگ تأثیر داشته و بعضی از این‌ها سر نخ‌هایشان به خارج از ایران وصل بود. یا مثلاً راجع به لانه جاسوسی تحلیلی نوشتم که تحلیل را مجبور شدند حذف کنند. اشکالی ندارد، انتقاد هم نمی‌کنم، دارم گزارش می‌دهم که چه اتفاقی‌هایی افتاده است. امیدوارم در چاپ دوم، ان شاء الله اگر این کار انجام شد، این کتاب هم با اسم خودش و هم با آن مطالبی که از نظر من درست و صحیح است، چاپ بشود. البته موظف هستم که تشکر کنم. اول از برادر عزیزم آقای درودیان که زحمت نظارت محتوایی این کتاب را کشیدند و تلاش زیادی کردند. دوم از برادر عزیزم جناب آقای اردستانی و همه دوستانی که در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، الان مشغول هستند و زحمت چاپ این کتاب را کشیدند. از آقای

که شکست‌ها را هم نباید تک متغیره دید. به همین خاطر به مدلی رسیدم برای موفقیت‌ها در جنگ که در این مدل، نیروی انسانی، رزمندگان داوطلب، ایمان، ایثارگری و شهادت‌طلبی حرف بالایی را می‌زند. ولی فرماندهی، ساختار، تجهیزات، طراحی عملیات‌ها و... این‌ها همه در موفقیت و پیروزی‌های ما دخیل بوده که بخشی از کتاب به این مسائل پرداخته است. در فصل‌های آخر، جنگ از این ابعاد هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امیدوارم ان‌شالله آقای اردستانی بتوانند نسخه‌ای از کتاب را در اختیار دوستانی که حداقل در این جلسه هستند، بگذارند. چون قیمت کتاب هم بالا رفته است. امیدوارم دوستانی هم که این کتاب را خواندند، اگر نظراتی داشتند برای اینجانب ایمیل کنند. نمی‌دانم ایمیل در کتاب چاپ شده یا نه و لیکن در جاهای دیگر ایمیل من هست، بنویسند تا ما از نظرات آنها استفاده کنیم و برای چاپ‌های بعدی بتوانیم، مورد بهره‌برداری قرار دهیم.

گفت: این را بخوان و به من پس بده. این نامه در ۷ صفحه بود. من نمی‌دانم از شماها چه کسی این نامه را خوانده؟ ولی فکر می‌کنم از مسئولین جنگ، تنها کسی که حتماً خوانده، من هستم. امیدوارم روزی منتشر بشود. ما اسنادی در ارتباط با جنگ داریم، در ارتباط با تصمیم‌گیری‌ها داریم که هنوز منتشر نشده و اینها خیلی کمک می‌کند به روشن شدن جنگ. بنابراین من درباره بعضی از مسائل بعد از فتح خرمشهر، در این کتاب نظراتی نوشتم که این‌ها به نظرم مهم است و تاکنون به مذاکرات شورای عالی دفاع نتوانستم دسترسی پیدا بکنم. اگر آن هم بود، خیلی به فهم مسائل کمک می‌کرد. علی‌ای حال این کتاب را من، از همه بعد نوشتم. آخرش هم بخش‌هایی دارد که بعد موفقیت‌ها را تحلیل می‌کند. در این کتاب به این نتیجه رسیدم که موفقیت‌های جنگ را نباید تک بعدی دید، همانطور



مراسم رونمایی کتاب؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

## فرمانده در جنگ، واقعه‌ساز است

سردار محمد درودیان: اصلش این است که کتاب الحمدلله چاپ شد. شخصیت آقای علایی و شرایطی که توضیح دادند، منجر به نوشتن کتاب شد. ان‌شالله منجر به فروش آن هم شود و مباحثی که ایشان شروع کردند، به سطح بالاتر ارتقا یابد. فرمودند ناظر [کتاب] بنده بودم، اما خدا شاهد است از روز اولی که به من گفتند ناظر این کتاب هستم، هیچ موقع حس نظارت به معنی مرسوم آن را نداشتم. یعنی [برای مثال] بخواهم نکته‌ای را متذکر شوم، کمک کنم، جهت بدهم، ساختار را تعیین کنم و این بحث‌ها نبود. اصلاً با آقای علایی، چنین مناسباتی را نداشته و نخواهیم داشت و در تدوین این کتاب هم نبوده است. بنابراین در مطالعه این کتاب فرضی داشتم که بر اساس آن فرض، می‌خواهم دو - سه نکته را به عرض برسانم. فرض من این بود و به مرکز هم همین را گفتم که آقای علایی فرمانده جنگ، این کتاب را نوشته و مسئولیتش هم با خود ایشان است. من خواندم. نکاتی را یادآوری کردم که تجربه خودم در نوشتن بوده و بر مبنای آن، برخلاف مرسوم که هر کتابی را یک بار، ناظر می‌خواند، من سه بار خواندم که توضیحات را آقای اردستانی فرمودند. به نظرم کتاب، از سه جهت قابل توجه است. یکی از جهت مؤلف، یکی از جهت موضوع و یکی از جهت روش. از جهت مؤلف، به نظرم این کتاب را از آنجا که فرمانده جنگ نوشته، کتاب بی‌همتایی است. چرا؟ چون فرمانده در جنگ، مثل سیاستمدار در عرصه سیاست، واقعه‌ساز است. یعنی بخش‌هایی در جنگ هست که علی شمخانی، آقای رضایی و دوستان دیگر مثل آقای علایی ایجاد کردند و بنابراین از این حیث اهمیت دارد

که آن آدمی که در آن جایگاه، آن واقعه را رقم زده چه مبنایی داشته است؟ چه تفکری داشته و چگونه آن را ایجاد کرده است.

بنابراین این مهم‌ترین قوت کتاب است و به نظرم ایشان تاکنون تنها فرمانده‌ای هستند که با این سبک و سیاق، چنین کتابی نوشته‌اند. کنار این قوت، ضعفش هم درون خودش است. انتظاراتی ایجاد می‌کند که بنده اگر آن کتاب را بنویسم، صد نفر به به و چه چه می‌کنند و خودم دوست داشته باشم که این را بگویند. ولی وقتی آقای علایی این کتاب را می‌نویسد، می‌گویند فرمانده جنگ نوشته که برجستگی و امتیازاتی در درون خودش ایجاد می‌کند. انتظاراتی که این‌ها می‌تواند ضعفش باشد که آیا آن چیزهایی که انتظار بوده، در آن هست؟ مثلاً بخش‌هایی از جنگ است که به نظرم فقط ایشان می‌تواند توضیح بدهد. مثل آن دوره‌ای که ایشان فرمانده نیروی دریایی بودند که در کتاب هم بخش‌هایی از آن آمده است. این بخش‌ها به نظرم بی‌نظیر است. ولی آن نکته‌ای هم که گفتم، هست.

درباره موضوع عرض کنم که جنگ هشت ساله است و می‌شود نگاهی کلی به آن داشت. ولی با تأثیر بیشتری همراه است که باز هم به نظرم از این جهت، کتاب بی‌همتاست. کتابی هم‌وزن کتاب ایشان که کل جنگ، تحلیل شده باشد و تقریباً بیشتر مسائل جنگ را تشریح کرده باشد وجود ندارد.

استحضار دارید، نگاه کلی به موضوع، هم توانایی ذهنی و قدرت فکری می‌خواهد، هم اشراف بر موضوع و به نظرم الحمدلله هر دو را ایشان داشته است. ولی این‌که مبنای ایشان نسبت به هویت جنگ چه بوده مغفول است. این مبنای و پیش‌فرض‌ها یا گاهی در

افقی که در آینده کتاب نوشتن وجود دارد و باید به آن بپردازیم، نگاه به جنگ در مفهوم خود جنگ است. یعنی باید فراتر از آن چیزی که به عمل ما و به دفاع برمی‌گردد، بپردازیم. باز هم تبریک می‌گویم خدمت سردار علایی. تشکر هم می‌کنم از مرکز.

**به ثمر نشستن تجربیات جنگی «حسین علایی» در کتاب**

احمد نصرتی: بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حماسه آفرینی‌ها و ایثارگری‌های بی نظیر امت انقلابی و قهرمانی ایران و آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن، کاری بس عظیم و دشوار است. بدیهی است، قدم نهادن در این عرصه خطیر، رسالت و ادای دینی است، بر عهده اندیشمندان و پژوهشگران متعهد و به ویژه آنان که خود در دوران ۸ ساله دفاع مقدس حضوری فعال و مؤثر داشته‌اند.

آنان که عارفانه و عاشقانه در راه اهداف متعالی اسلام و لیبیک به ندای امام<sup>(ع)</sup> فرزانه‌شان، همه هستی خود را در طبق اخلاص گذاشتند و به تکلیف شرعی و میهنی خود عمل کردند. گروهی از آنان جانشان را برای خشنودی و رضایت خداوند فدا کردند و با آمادگی تمام، برای پیروزی یا شهادت در انتظارند و هرگز دچار تزلزل نمی‌شوند. آنان که امروز در عرصه‌های مختلف نظام مشغول فعالیت هستند و بر فرهیختگان و اندیشمندان آنان لازم است که در حد وسع و توان خود، در حوزه‌های گوناگون دفاع مقدس پژوهش نموده و آثاری وزین ارائه نمایند تا علاوه بر اشاعه فرهنگ ناب دفاع مقدس از تحریف و انحراف آن جلوگیری کنند.

کتابی که امروز برای رونمایی آن در این مکان گرد هم آمده‌ایم، حاصل تجربیات، مشاهدات

چهارچوب نظری در اول کتاب، گفته می‌شود و گاهی در لابلای کتاب است. به نظرم ایشان در لابلای کتاب است. شاید اگر مبانی به عنوان تجربیاتشان و آن نکات خاص از جنگ را در اول کتاب می‌آوردند، بهتر بود. بنابراین این ضعف در درون جای می‌گیرد.

نکته سوم روش است که من به نظرم این کتاب، با همه برجستگی‌هایش، یک برجستگی بزرگ دیگری دارد که باز هم ضعفش در درون خودش است. این که واقع محور و بر اساس عملیات است. یعنی اگر شما عملیات‌ها را از کتاب حذف کنید، کتاب از هم می‌پاشد. این هم دلیل دارد. ایشان فرمانده عملیات بوده است. بنابراین طبیعی است که کتاب این شکل باشد. بنابراین، این قوت و برجستگی که بر محوریت عملیات‌ها ادامه پیدا کرده، ضعفش هم درون خودش بوده که می‌شود اشاره کرد. نکته آخر را بگویم. نکته‌ای که هم به کتاب آقای علایی برمی‌گردد هم به کلیت کتاب نوشتن در حوزه جنگ ایران و عراق و هم به خود بنده که باید با تلاشمان و دعای دوستان، ان‌شالله بر طرف بشود. این که این کتاب و کل کتاب‌هایی که در حوزه تاریخی، نظامی، تحلیلی نوشته می‌شود، مشخصه این کتاب‌ها این است که واقع محور و در چهارچوب مفهوم جنگ دفاعی است نه مورد جنگ. در مورد جنگ دفاعی است یعنی چی؟ یعنی آن بخشی که ما در جنگ عمل کردیم، در مورد کل جنگ نیست. مثل امروز. فرض بفرمایید امریکا و رژیم اشغالگر ما را تهدید می‌کنند، یعنی منطق جنگ شکل می‌گیرد. اگر بر فرض، جنگ بشود، ما از خودمان دفاع می‌کنیم. حالا اگر کتاب ما در مورد کل این جنگ باشد دفاعی نیست و اگر فقط آن کاری که ما انجام دادیم را بنویسیم، «دفاعی» می‌شود. معتقدم مهم‌ترین



بیت‌المقدس و عملیات‌های بعدی مانند رمضان، مسلم‌بن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، ۲، ۳ و ۴ در جلد اول و دیگر عملیات‌ها از جمله والفجر ۵ و ۶، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۳، فتح ۱، کربلای ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و فتح ۵ و والفجر ۱۰ و مرصاد در جلد دوم آمده است. موضوعات مختلفی از قبیل جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها، حملات شیمیایی عراق، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به ویژه قطع‌نامه

۵۹۸ و رویدادهای پایان جنگ نیز به تناسب در هر دو جلد مطرح شده است. امید است این اثر گران‌مایه، مورد رضایت حق قرار گرفته و کام‌تشنه مشتاقان علوم و معارف دفاع‌مقدس به ویژه جوانان عزیز و دانشجویان گرامی را سیراب نماید.

امیر دریابان علی شمخانی: من با توجه به این‌که مستمع بیانات برادران عزیز بودم، خودم

خسته شدم. لذا بعید است دوستان آمادگی داشته باشند که من طولانی صحبت کنم. ولی آنچه را که دوستان بیان کردند، بعضی از نکاتش مد نظر من و در یادداشت‌هایم بود که تکرار نمی‌کنم. نکاتی را که دوستان بیان کردند، نکات درستی بود. عرض کنم که جنگ تحمیلی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با واقعه کربلا دارد. من از شباهت‌ها نمی‌گویم. شباهت‌های عقیدتی‌اش، باوری‌اش، هدفی‌اش، تأثیر واقعه

و اندوخته‌های علمی فرمانده دلاور دوران دفاع‌مقدس و پژوهشگر ارجمند، جناب آقای دکتر حسین علایی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌باشد که در آن، سیر حوادث و رویدادهای جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرمانده و پژوهشگر دفاع مقدس بررسی و تحلیل شده است. نظر به این‌که تاکنون کتابی با این رویکرد و این قالب تألیف نشده است، این اثر می‌تواند برای علاقه‌مندان و محققان تاریخ دفاع‌مقدس و همچنین عموم مردم مفید باشد و خلاء و کمبودها را در این زمینه جبران نماید. اگرچه این حوزه، آن‌چنان وسیع و گسترده است که راه برای تألیف آثاری از این دست همچنان باز می‌باشد و فقدان کتابی جامع و مانع درباره تاریخ تحلیلی دفاع‌مقدس همچنان احساس می‌شود. بدیهی است، تلاش محقق محترم جناب آقای دکتر علایی در تدوین ابعاد گوناگون رویدادهای جنگ به صورت تاریخی و تحلیلی شایسته قدردانی است. در واقع انجام دادن چنین پژوهشی در نوع خود کاری بس دشوار و طاقت فرسا و نیازمند تجربه و دانش فراوان و ملاحظات بسیاری می‌باشد. انتشار این کتاب، گامی مهم در تدوین تاریخ تحولات جنگ تحمیلی به شمار می‌رود و امیدواریم صاحب‌نظران و نخبگان این عرصه با پیمودن گام‌های بعدی، آثاری وزین در این زمینه عرضه کنند.

کتاب «روند جنگ ایران و عراق» یا به عبارتی «تاریخ تحلیلی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» در ده فصل سازمان‌دهی شده است و با توجه به حجم آن در دو جلد منتشر شد. به طور خلاصه، مباحث مربوط به جنگ از ابتدای پیروزی انقلاب تا شروع تهاجم گسترده عراق به ایران، عملیات‌های آزادسازی سرزمین‌های اشغالی شامل ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و

امیر دریابان علی شمخانی:  
متأسفانه بسیاری از مستندهای  
تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی،  
کتاب خاطره حتی کار بسیار  
مستتر روایت جنگ و راویان  
جنگ در ایام راهیان نور به  
دلیل تأکید بر حماسی بودن  
جنگ و برنامه بعد از بیان یک  
راوی که مداحی است



امیر دریابان علی شمخانی و دکتر حسین علایی در حال رونمایی از کتاب؛ اردیبهشت ۹۲

متفاوت، جغرافیاهای متفاوت، شهر و روستا، اشکال سنتی دیگری بر این روایت تحمیل شده است. به نحوی که برای پیرایه‌زدایی از آن حادثه بزرگ، متفکرین اسلامی مثل شهید مطهری، تحریفات عاشورا می‌نویسند. جنگ تحمیلی تفاوتش با آن حادثه، این است که به قول غربی‌ها ثبت «آنلاین» داشته است. ضبط آنلاین داشته و ورای کتابت و انتقال سینه به سینه و زبان به زبان، انتقال تصویری، ضبطی، کتبی، فیلمی آن هم به شکل همزمان با وقوع حادثه داشته است. این تفاوت مابین حادثه کربلا با حادثه ۸ سال دفاع مقدس است که برای آن ما مجبوریم، تحریفات عاشورا بنویسیم. نباید گرفتار گردابی بشویم که همان پدیده، امروز بر این پدیده‌ای که گزارشاتش آنلاین نوشته می‌شد، مکتوب می‌شد، ضبط می‌شد، حاکم بشود که متأسفانه حاکم شده است. من از این زاویه می‌خواهم جایگاه این کتاب را بیان بکنم. مثلی به اسم نویسنده، ناظر و ناشر،

کربلا، پیروزی خون بر شمشیرش، نقشش در برجستگی حضور مردم بر کسی پوشیده نیست. می‌خواهم تفاوت در ثبت و ضبط را بیان کنم. دوستان مستحضر هستند که واقعه کربلا از زمان وقوع تا زمان مکتوب شدنش، فاصله زمانی زیادی دارد. تعریف واقعه کربلا و صحنه رزم، انتقال از مدینه به مکه و مکه تا کوفه آغاز شده و خود ۶ ساعت درگیری و... تاریخ دقیقی در ذهنم نیست ولی ده‌ها سال بعد، تحت عنوان مقاتل، منتقل شده و مکتوب شده و بعد، زبان به زبان، سینه به سینه، به شکلی که امروز می‌بینیم به ما رسیده است. به همین دلیل، امروز از تعداد رزمنده‌های در خدمت ابی عبدالله، حتی بعضی از اعضای خانواده ابی عبدالله تا نیروی مقابل، کمیت اختلاف است. هر چند در اصل وقوع و زمان وقوع، به شکلی اجماع وجود دارد ولی در تعریف ابعاد و زوایای مختلف وقوع، اتفاق‌آرا وجود ندارد. این اصل حادثه است. اما در طول ۱۴۰۰ سال در زمان‌های مختلف، حکومت‌های

کنار هم قرار گرفتند و این اثر را به وجود آورده‌اند که هم نویسنده، هم ناظر و هم ناشر در حقیقت برجستگی‌های منحصر به فردی دارند. نویسنده، خود میدان‌دار است. ناظر نیست. در جنگ زنده است. در رده‌های عالی تصمیم‌گیری جنگ بوده است. ناظر، صاحب سبک است و کتب متعدد جنگی نوشته است. ناشر صاحب گنجینه عظیمی از اسناد منحصر به فرد است. این مثلث که مثلث مبارکی است، دست به انتشار این کتاب زده است. سردار علایی، این کتاب را مبتنی بر دو حقیقت، دو نوع کتاب یا ترکیب دو موضوع، مبتنی بر توصیف و تحلیل، تنظیم کرده است. توصیفش واقعه‌نگاری است. تحلیلش نوع نگاه به وقایع است. لذا تحلیلش، نوع نگاه خودش به وقایع است. اما توصیفش، توصیف رخدادهاست. این‌ها را باید از همدیگر تفکیک کرد. علت این که من عرض می‌کنم، ما نباید وادار شویم که کتاب «تحریفات جنگ» را بنویسیم، این است که امروز من احساس می‌کنم بسیاری از انباشتگی‌های مطالب راجع به افراد، راجع به سازمان‌ها و نحیف شدن مطالب، راجع به بعضی از افراد و سازمان‌ها، با نگاه امروز سیاسی نسبت به دیروز است. متأسفانه ما نسل جنگ را دچار سؤال و ابهام کرده‌ایم پیش از این، دوستان به این که دو واحد درسی در دانشگاه‌ها گنجانده شده است، اشاره کردند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: شرط پایداری یک واقعه در تاریخ، در عدم بروز نکردن تناقض آن است و گرنه محدوده تأثیرش کم می‌شود.

جنگ هم موضوع صرفاً ایرانی نیست. تنها موضوع رزمندگان ایران نیست. موضوع سرداران نیست. در کشور ما و در همه جای دنیا، پر کردن اوقات فراغت در فضای مجازی یا با وسایل دیگر، با بحران مواجهه است. باید جاذبه‌های قوی در

کتابخوانی تزریق کرد که فرد به کتاب مراجعه بکند. حالا اگر دو واحد درسی راجع به جنگ در دانشگاه گذاشتیم، [دانشجو] آمد و کتاب ارتش را خواند و راجع به پدیده‌ای، برداشتی کرد [اسپس]. کتاب سپاه را خواند و برداشت دیگری کرد، خاطره فرمانده‌ای را شنید و برداشت سومی کرد، این چه خواهد گفت؟ او از درون متلاشی خواهد شد و متأسفانه بسیاری از مستندهای تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، کتب خاطره، حتی کار بسیار مهم روایت جنگ و روایان جنگ در ایام راهیان‌نور، به دلیل تأکید بر حماسی بودن جنگ، موضوعات و پیرایه‌هایی به جنگ بسته می‌شود که غیر از آه برای نسل جوان و نه عبرت! چیزی به ارمغان نمی‌آورد. از شهدای جنگ، اسطوره‌های غیرقابل تقلید ساخته می‌شود. این فردی که این را می‌سازد، خیال می‌کند دارد خدمت می‌کند. در حالی که این خدمت نیست. این منزوی‌سازی است. لذا داشتن یک رفرنس و مرجعی که آدم فردا وقتی می‌خواهد این کتاب، چنین خصلتی دارد. البته بی‌نقص نیست. من نقص‌ها را خواهم گفت، ولی آدم می‌تواند، در این کتاب قطور به دور از تحریفات جنگ به این کتاب ارجاع بدهد. به خاطر مختصر کردن بحثم، بقیه بحثم را در این چهارچوب ادامه نمی‌دهم. اما کتاب به نظرم می‌آید، با توجه به برجستگی که دارد، یعنی نویسنده‌اش فرصت اجباری پیدا کرده که در این ۸ سال، [همانطور که اشاره کرد] مطالعاتی کرده، حضوری که در جلسات داشته، همه این‌ها تلاش برده، زمان برده، عمر برده، سوال و جواب‌هایی که از افراد مختلف کرده، خود برجستگی شخصیت علمی سردار دکتر علایی، سابقه میدان‌داری و فرماندهی‌اش، این کتاب را نسبت به سایر کتاب‌ها و جامع بودن کتابش متمایز می‌کند. ناظر محترم، این تمایز را غنا می‌بخشد. سردار

ملت ایران با پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی<sup>(ع)</sup> به دست آورد و نگذاشت آن را با نقض تمامیت ارضی دچار خدشه بکنند. نسل جنگ به مفهوم ارتش، سپاه، مردم، بسیج اجازه نداد، این خواسته نا به حق قدرت‌های جهانی به دست صدام محقق شود. به همین دلیل، رزمندگان اسلام پیروز شدند. امروز استقلال اقتصادی ما، استقلال فرهنگی ما و حتی استقلال سیاسی ما تحت تهاجم است. آیا تجربه جنگ که ثابت کرد دشمنان نمی‌توانند در آن میدان، پیروزی به دست آورند، برای میدان‌داران این سه صحنه می‌تواند این موضوع را به ارمغان بیاورد که اعلام

کنند، در پایان جنگ سختی که در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ رخ داده، دشمن را وادار به عقب‌نشینی و شکست بکنند؟ ان‌شالله خواهند کرد. ثمره این کتاب، در حقیقت تحقق فرمایش رهبر معظم

انقلاب<sup>(مدظله)</sup> حضرت آیت الله خامنه‌ای است که فرمودند: «این جنگ، یک گنج است.» آیا خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم؟ آقای علایی، قسمت عمده این معدن را استخراج کرده‌اند اما همانطور که خود ایشان اشاره کردند، اگر فرصت پیدا کنند، این کتاب جا دارد که ۲۰۰-۳۰۰ صفحه دیگر به آن اضافه شود. ده فصل، ۱۲۰۰ صفحه کتاب، پر از موضوعات و ملات‌های غیرتکراری است. امیدوار هستیم خداوند، همانطور که تا الان آقای علایی را نصرت داده که در همه حوزه‌ها موفق باشد بیش از پیش یاری دهد، علایی امروز مشهورتر از دیروز است و علایی دیروز مشهورتر از امروز است. علایی هم سردار بزرگ جنگ است هم دکتر موفق امروز. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته.

امیر دریابان علی ششمخانی:  
موضوعات و پیرایه‌هایی به  
جنگ بسته می‌شود که غیر از  
آه برای نسل جوان ندارد

درویدیان، همانطور که عرض کردم صاحب سبک در ادبیات جنگ و مرکز تحقیقات جنگ است که یکی از برجسته‌ترین مراکز صاحب اسناد جنگ است. این‌ها کنار هم مجموعه خوبی را ارائه دادند. من اعتقاد دارم، کتاب به پیش از جنگ اشاره نکرده و این بی‌وزنی است. اعتقاد دارم، آخر کتاب والفجر ۹ را توضیح داده و اشتباه توضیح داده است. این‌طوری نیست. جلسه اول شورای عالی دفاع با امام<sup>(ع)</sup> درباره خرمشهر را اشاره کردید که جمع‌بندی اش درست نیست. هر چند در جلسه دوم تصحیح می‌کند. اگر انسان آن جلسه را فقط بخواند، برداشت متفاوتی از جلسه

دوم خواهد کرد. باید حتماً جلسه اول را تشریح کنید، ولی به هر حال در توصیفش سعی کردید، توصیف کاملی باشد. تحلیلش هم که اشاره کردند، نگاه سردار علایی به جنگ است که تحلیل نسبتاً

درستی است. تحلیل درست و جامعی است. تحلیل قابل اعتماد و قابل اتکائی است. به همین دلیل من توصیه می‌کنم به کسانی که در جنگ بودند، این را حتماً بخوانند. وقتی می‌خوانند، حتماً خاطرات باشکوهی در ذهنشان زنده می‌شود که فراموش کرده‌اند. من خودم ورق زدم، ولی گذاشتم که حتماً مطالعه کنم. کسانی که در زمان جنگ بودند و نبودند، [اگر] این را که بخوانند، می‌فهمند چقدر همراهی نکردن‌شان، خسران برایشان به ارمغان آورده است. کسانی که نبودند، بخوانند و عبرت بگیرند. لذا کتاب می‌ارزد. آدم حتماً با دقت آن را مطالعه کند. حتی کسانی که خود را صاحب‌نظر جنگ می‌دانند. وقتی این را می‌خوانند، حتماً یاد می‌گیرند. به هر حال، استقلال ناشی از جنگ مهمی بود که